

آمریکادر جنگ اوکراین و بحرآن تایوان

تأثیر طوفان الاقصی بر چگونگی نقش آفرینی

رضا دعاگوی روزبهائی



دانشجوی کارشناس ارشد مطالعات آمریکای شمالی و دبیر سیاسی دو ماهنامه آمریکاشناسی

امروزه در پی حمله روسیه به اوکراین، موضع‌گیری چینی‌ها نسبت به تایوان و حملات مقاومت به رژیم، این مسئله نمایان می‌شود که قدرت بازدارندگی ارتش آمریکا، آن چیزی نیست که پیش‌تر تصور می‌شد. از طرفی پس از طوفان الاقصی، واشنگتن در رابطه با بحران تایوان، در پی آن است که محتاطانه عمل کند تا تمایل خود به حمایت از تایوان و تعهدش به «چین واحد» را متعادل سازد. در جبهه جنگ روسیه با اوکراین نیز بایدن تلاش می‌کند که بودجه مورد نیاز برای هر دو جنگ اوکراین و اسرائیل را تأمین کند اما در طولانی مدت، تأمین منابع و هزینه‌های تسلیحاتی هر دو جنگ و همراه ساختن متحدین خارجی و داخلی، با وجود فشار افکار عمومی آمریکایی‌ها در آستانه شروع انتخابات دشوار خواهد بود.

روی گردانی جهان از هژمونی آمریکا

جنگ در اوکراین و واکنش اسرائیل به حمله حماس در ۷ اکتبر نشان دهنده رویگردانی جهانی از رهبری ایالات متحده است؛ در حالی که دخالت مستقیم در هریک از این درگیری‌ها بعید به نظر می‌رسد، استقرار نیروهای آمریکایی در خاورمیانه ادامه دارد و دو گروه از نیروهای ناوآمریکایی در منطقه مستقر شده‌اند. بی‌ثباتی داخلی در میان متحدان اروپایی خود، توانایی آنها را برای مشارکت در جنگ‌های اوکراین و غزه به چالش کشانیده است. در این وضعیت، رقبای آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند که اکنون زمان خوبی برای تهدید رهبری آمریکا است. حمله روسیه به اوکراین، موضع گیری چینی‌ها نسبت به تایوان و حملات مقاومت به رژیم، این مسئله را نمایان می‌سازد که قدرت بازدارندگی ارتش آمریکا آن چیزی نیست که پیش‌تر تصور می‌شد. در شرایطی که دولت بایدن دست و پا می‌زند، بقیه جهان علیه آمریکا جبهه می‌گیرند و متحدانش نیز از آن دور می‌شوند. (۲)

توقف تنش‌زایی توسط آمریکا در دریای جنوبی چین نکته مهم این است که جنگ غزه به حضور مداوم آمریکا در منطقه غرب آسیا ارتباط مستقیم دارد و این به معنی آن است که ایالات متحده باید در مورد رویکرد خود مبنی بر تمرکز بر شرق آسیا برای مهار قدرت‌افزایی‌هایی چین از راه مسائلی مانند حقوق بشر، تغییرات آب‌وهوایی و بحران تایوان که پیش‌تر در قالب سند امنیت ملی بایدن تعریف شده بود، تجدیدنظر کند.

در این راستا، سیاست احاله مسئولیت آمریکا ذیل عادی سازی روابط اسرائیل و عربستان در منطقه غرب

بیست سال حضور نظامی و هزینه‌های هنگفت ایالات متحده در غرب آسیا، همراه با شکست ملت سازی در افغانستان و عراق، تلفات وحشتناکی بر جامعه و سیاست آمریکا وارد کرد و بودجه ایالات متحده را تخلیه کرد. جو بایدن با به‌ارث بردن پیامدهای آشفته رویکرد نامنظم دولت ترامپ در منطقه، متوجه شد که درگیری‌های ایالات متحده در خاورمیانه، از چالش‌های فوری ناشی از قدرت‌افزایی و رشد چین و قدرت محوری روسیه منحرف شده است. کاخ سفید یک استراتژی خروج خلاقانه را ابداع کرد و تلاش کرد توازن قدرت جدیدی را در خاورمیانه ایجاد کند که به واشنگتن اجازه دهد هزینه حضور مستقیم خود را در غرب آسیا کاهش دهد و درعین حال اطمینان حاصل کند که پکن این خلأ را پر نمی‌کند؛ بنابراین تلاش تاریخی برای عادی سازی روابط میان اسرائیل و عربستان سعودی، با این هدف صورت گرفت که به طور رسمی، دوشریک منطقه‌ای مهم، واشنگتن را در برابر دشمن مشترکشان همسو کنند و سعودی‌ها را فراتر از مدار استراتژیک چین قرار دهند اما به تازگی حمله تکان‌دهنده حماس به اسرائیل، آغاز و پایانی را برای خاورمیانه رقم زده است. چیزی که تقریباً به طور اجتناب‌ناپذیر آغاز شده است، جنگ بعدی است؛ جنگی که در مسیر و نتیجه خود، خونین، پرهزینه و به شدت غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود. آنچه به پایان رسیده است، این توهم است که ایالات متحده می‌تواند خود را از منطقه‌ای که در نیم‌قرن گذشته به صورت مداوم در دستور کار امنیت ملی آمریکا مسلط بوده است، خارج کند. (۱)

از طرفی با طولانی شدن روند جنگ غزه و پیچیده‌تر شدن آن، چین و روسیه، فرصت‌های بیشتری در پی فضای ایجاد شده به دست خواهند آورد؛ بنابراین به نظری می‌رسد ایالات متحده با شرایط پیش آمده، مدتی در پی کاهش تنش در دریای جنوبی چین باشد و از تحریک جدی چین از جمله افزایش مانورهای دریایی در اطراف تایوان یا ارسال نامه‌های تهدیدآمیز به چین پرهیز کند. تا زمانی که چین و تایوان در دو طرف تنگه از اجماع ۱۹۹۲ مبنی بر «چین واحد» پیروی کنند، روابط بین تنگه‌ای در معرض خطر جنگ قرار نخواهد گرفت اما اگر دولت تایوان تعلق دو طرف تنگه به «چین واحد» را انکار کند یا استقلال تایوان را دنبال نماید، وضعیت موجود تغییر می‌یابد و صلحی در دریای جنوبی چین برقرار نخواهد بود. واشنگتن کاملاً آگاه

آسیا نیز کم‌رنگ شد؛ بنابراین ایالات متحده باید همانند روال سال‌های اخیر، به صورت مستقیم در منطقه حضور داشته باشد و هزینه کند و از طرفی در قفقاز نیز به حمایت‌های تسلیحاتی خود از اوکراین ادامه دهد. به همین صورت در سفر اخیر شی جین‌پینگ به ایالات متحده، بایدن در پی بهبود روابط دو کشور پس از تنش‌های ماجرای بالن جاسوسی بود تا بحران تایوان در حوزه شرق آسیا، به همین شکل باقی بماند تا دوباره در غرب آسیا تمرکز یابد و مخارج آن را تأمین نماید. حضور هم‌زمان نظامی آمریکا در سه نقطه از جهان (تنگه تایوان، اوکراین و غزه) بسیار چالش‌زا است و در شرایطی که انتخابات ایالات متحده نیز پیش‌رو است، نارضایتی‌های داخلی ایالات متحده نیز اهمیت بیشتری می‌یابند.



زنده شدن امیدهای کرملین در جنگ اوکراین

درگیری اخیر در غرب آسیا، فرصتی خوب برای روسیه است که از مزایای سیاسی زیادی برخوردار شود. رویارویی میان اسرائیل و حماس نه تنها امیدهای کرملین را برای تغییر روحیه سربازان خود پیرامون جنگ در اوکراین تقویت کرد بلکه این باور را نیز تقویت کرد که سیستم روابط بین‌الملل غرب محور، در حال تزلزل است؛ باین وجود بایدن تلاش می‌کند که بودجه مورد نیاز برای هردو جنگ اوکراین و اسرائیل را تأمین کند اما در طولانی مدت تأمین هزینه هردو جنگ، با وجود فشار افکار عمومی داخلی دشوار خواهد بود.

از طرفی در سطح رسانه‌ای نیز تمامی مظلومیت‌نمایی‌های اوکراینی در پی حمله روسیه بی‌معنا شده‌اند؛ چراکه امروزه مردم شاهد کشتار فجیع مردم غزه توسط اسرائیل با حمایت آمریکا هستند. ایالات متحده زمانی حمله روسیه به اوکراین را مورد انتقاد قرار می‌داد و اکنون وقتی متحد خود یعنی اسرائیل همین کار را در غزه انجام می‌دهد، سکوت می‌کند. این مسئله نشان می‌دهد که در سطح بین‌الملل، تنها منافع ملی برای کشورها اهمیت دارند و بنابراین منطق حکم می‌کند که هیچ نتیجه‌ای بهتر از ادامه مناقشه غرب آسیا برای مسکو وجود ندارد؛ چراکه استراتژی آمریکا در قبال روسیه را خنثی می‌کند.

این درگیری همچنین امید کرملین را تقویت می‌کند که مشکلات ناشی از جنگ در اوکراین با گذشت زمان خودبه‌خود از بین برود. این رویکرد بارها توسط روسیه آزمایش شده است که زمانی اگر تهاجم بر

است که پکن، تایوان را جزء منافع ملی اصلی خود می‌داند اما به دلیل اینکه چین را تنها کشوری می‌داند که توانایی نابودی سلطه جهانی آمریکا را دارد؛ بنابراین شاید بتوان گفت در صورت تغییر رویکرد چین و حمله به تایوان، ایالات متحده شاید بتواند شکست اوکراین را تحمل کند یا حتی اجازه دهد درگیری در غرب آسیا تا مدتی مشخص ادامه یابد اما هر کاری که ممکن است برای جدا نگه داشتن تایوان از چین انجام خواهد داد اما در حال حاضر نشانه‌ای وجود ندارد که چین به‌زودی برای اتحاد با تایوان، از زور استفاده خواهد کرد و هدف بلندمدت اعلام شده پکن برای دستیابی به اتحاد دوباره مسالمت‌آمیز تدریجی با تایوان تاکنون بدون تغییر باقی مانده است اما هرچه حمایت ایالات متحده از تایوان بیشتر باشد و فروش تسلیحات به تایوان افزایش یابد و از طرفی تایوان نیز برای استقلال طلبی خود فشار بیشتری وارد کند، احتمال تحریک پکن برای حمله به تایوان افزایش می‌یابد. (۳)

به نظر می‌رسد پس از طوفان الاقصی، واشنگتن در پی آن است که محتاطانه عمل کند تا تمایل خود به حمایت از تایوان و تعهدش به «چین واحد» را متعادل کند. مهم نیست که ایالات متحده چقدر بخواهد از تایوان در مهار چین حمایت کند، در شرایط کنونی با وجود هزینه‌های جنگ اوکراین و اسرائیل و از همه مهم‌تر، انتخابات پیش‌رو، نباید پکن را به حاشیه ببرد؛ به طوری که پکن احساس کند که درهای اتحاد دوباره مسالمت‌آمیز بسته شده است. جدا نگه داشتن دائمی تایوان برای پکن غیر قابل قبول است، همان‌طور که برای واشنگتن ناپایدار است.

تلاش بوده است تا تولید گلوله‌های توپخانه‌ای ۱۵۵ میلی‌متری را در ایالات متحده و در میان متحدانش افزایش دهد. هرچند تا به امروز با موفقیت محدودی روبه‌رو شده است اما پس از طوفان الاقصی ایالات متحده مجبور شده است تحویل تسلیحات به تایوان را به تعویق بیندازد؛ درحالی‌که ارتش اوکراین، گلوله‌های خود را در میدان نبرد، سهمیه بندی کرده است حتی دولت بایدن تصمیم گرفت مهمات خوشه‌ای که از لحاظ اخلاقی مشکوک بودند را به اوکراین بفرستد؛ بیشتر به این دلیل که این کشور، منابع کافی از انواع دیگر گلوله‌های توپخانه را نداشت؛ هرچند جنگ در غزه و اوکراین انواع کاملاً متفاوتی از درگیری است و نیازهای تدارکاتی ارتش اسرائیل و اوکراین متمایز است؛ از جمله اینکه اوکراین به موشک‌های دوربرد برای حمله به کریمه، خودروهای زرهی برای پیشروی پیاده‌نظام و مقاوم در برابر ترکش‌ها و تجهیزات مین‌زدایی برای ضربه زدن به میدان‌های مین گسترده نیاز دارد. اسرائیل بمب‌های هوشمند پرتاب شده از هوا به زمین، از جمله سنگ‌شکن و رهگیر برای سیستم دفاع هوایی گنبد آهنین خود را می‌خواهد که با سرعتی فوق‌العاده شلیک می‌شوند. (۶)

البته این مسئله یک مشکل کوتاه مدت است؛ چراکه ایالات متحده و متحدانش در طول زمان، ظرفیت افزایش تولید و ارسال منابع کافی در مواقع اضطراری را دارند و در مواردی نیز میان سلاح‌های مورد نیاز در دو جبهه، همپوشانی به وجود می‌آید.

مسائل بلندمدت در قالب سرمایه‌سیاسی هم در رابطه با سیاست داخلی و هم با متحدان خارجی مطرح می‌شود. ایجاد اراده سیاسی برای جنگ نه تنها

اساس برنامه پیش‌نبرد، با منطق عمل کردن، کار را پیش می‌برد. (۴)

جو بایدن درخواست جدید ۶۱ میلیارد دلاری برای هزینه‌های مرتبط با اوکراین، از جمله پرکردن سهام آمریکا را در بودجه تکمیلی بزرگ‌تر ۱۰۶ میلیارد دلاری گنجانده است اما رهبران جمهوری خواه، تحت فشار تندروهای جمهوری خواه «اول آمریکا» که نسبت به بودجه اوکراین بدبین هستند، می‌خواهند بودجه مورد نظر را در راستای اقدامات سخت‌تری برای مهار مهاجرت در مرز آمریکا با مکزیک مرتبط کنند. از طرفی اگر این بودجه تصویب نشود، در سال ۲۰۲۴ با بالا گرفتن تب انتخابات، تصویب آن برای تیم بایدن کار سختی خواهد شد. از سوی دیگر، اروپایی‌ها با تأخیر، کمک‌های خود به اوکراین را افزایش داده‌اند و مهم‌تر از همه، قول حمایت چند ساله داده‌اند. در مجموع، متعهدین اروپایی در تعهدات کلی به اوکراین از آمریکا پیشی گرفته‌اند اما آمریکا همچنان بیشترین سهم را از کمک‌های نظامی ارائه می‌کند و اروپایی‌ها از وعده خود برای تأمین ۱ میلیون گلوله تا مارس، کوتاهی می‌کنند؛ در نتیجه شک و تردیدهای فزاینده‌ای در مورد توانایی آنها برای انجام تعهدات کمک مالی وجود دارد. (۵)

چالش‌های ایالات متحده در ادامه جنگ‌های خارجی برای ایالات متحده، دوراهی اجتناب‌ناپذیر میان جنگ‌های غزه و اوکراین اساساً در سه سطح مطرح است. بارزترین پیامد آن در کوتاه‌مدت در سطح مادی منابع است اما در بلندمدت، دو معامله سیاسی دیگر - سرمایه‌سیاسی و استقامت داخلی - ممکن است اهمیت بیشتری داشته باشد؛ برای مثال، پنتاگون در



درخواست‌های کنگره برای کمک مالی به اوکراین را به درخواست‌های کمک برای اسرائیل پیوند دهد اما در طول زمان، حفظ هر دو، نیازمند سرمایه‌گذاری سرمایه سیاسی محدود هستند.

در درازمدت، سخت‌ترین چالش در سطح استقامت اجتماعی ایالات متحده رخ خواهد داد. رهبران ایالات متحده معمولاً پس از اینکه در رابطه با جنگی، دچار تشنگ آرا می‌شوند، تلاش می‌کنند شوروشوق عمومی را برای ادامه جنگ حفظ کنند اما وقوع دو جنگ هم‌زمان با هم در نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، ممکن است توانایی آمریکا برای حفظ آستانه تحمل جامعه را به تحلیل ببرد. اگر در ماه‌های آتی، جنگ اسرائیل در غزه به همین شکل غیرقطعی و پایان‌ناپذیر باشد، این دو جنگ خارجی ممکن است به سرعت، ظرفیت آمریکا را کاهش دهد و موقعیت بایدن یا حتی دموکرات‌ها را در انتخابات پیش رو تضعیف کند. (۷)

نیازمند زمان و توجه رهبران است بلکه نیاز به صرف سرمایه سیاسی برای همراه کردن شرکای مختلف و حوزه‌های کنگره را نیز در برمی‌گیرد.

هنگامی که ایالات متحده در اوکراین یا هر جای دیگری درخواست کمک می‌کند، متحدانش اغلب چیزی در ازای آن طلب می‌کنند؛ خواه دسترسی به سلاح‌های آمریکایی با فناوری پیشرفته خواه افزایش استقرار نیروهای آمریکایی باشد. اینها می‌توانند برای آمریکا اقدامات پرهزینه‌ای باشند. به طور مشابه، هنگامی که رئیس‌جمهور ایالات متحده از کنگره درخواست بودجه برای جنگ‌های خارجی می‌کند، جناح‌های داخل کنگره اغلب از فوریت این درخواست استفاده می‌کنند تا آن را به موضوعات دیگر مانند کاهش هزینه‌های اجتماعی کلی دولت مرتبط کنند. پیش از حمله حماس به اسرائیل، بودجه جنگ اوکراین به همین دلیل قطع شده بود اما دولت بایدن هوشمندانه تصمیم گرفته است از جوپیش‌آمده در واقعه غزه، به نفع سیاسی خود استفاده کند و

نتیجه‌گیری

پس از وقوع طوفان الاقصی و به هم خوردن روند مطلوب آمریکا و متحدینش در غرب آسیا، چالش‌های اجتناب‌ناپذیری برای بایدن ایجاد شده است که حاکی از آن هستند که حتی برای یک ابرقدرت، مسئله اولویت‌بندی باید مورد توجه واقع شود. دولت بایدن با در نظر گرفتن این چالش و با این هدف، وارد عرصه شد که مبارزه با چین را بالاتراز منافع ایالات متحده در مسائل دیگر قرار دهد؛ با این حال، اکنون خود را عمیقاً درگیر جنگ‌ها در اروپا و غرب آسیا می‌بیند؛ درحالی‌که مشکل چین همچنان در پشت سر تیرها به شدت در حال رشد است و حتی شرایط بهتری برای قدرت‌افزایی چین ایجاد شده است.

نکته این است که منافع گسترده ایالات متحده در سرتاسر جهان، امروزه و در دوران گذار از نظم بین‌المللی، توسط قدرت‌های منطقه‌ای، مورد تهدید قرار گرفته‌اند و از طرفی به نظر می‌رسد که ایالات متحده با وجود هدف‌گذاری بر مهار چین به عنوان مهم‌ترین اولویت خود در حال حاضر و در دهه‌های پیش‌رو، توانایی دنبال کردن آن را ندارد و به ناچار کنترل شرق را همانند روند گذشته پیش می‌برد تا ظرفیت لازم برای اداره جنگ اوکراین و اسرائیل را حفظ کند.

از طرفی میان سیاستمداران ایالات متحده در کنگره نیز این بحث وجود دارد که بودجه‌های ایالات متحده به تأمین هزینه‌های جنگی اوکراین، نبرد اسرائیل علیه حماس یا هزینه‌های دفاعی تایوان معطوف شود یا اینکه صرف مشکلات داخلی یا برقراری امنیت مرزها از راه دیوارسازی در ایالات جنوبی شود؛ به همین جهت طوفان الاقصی تبدیل به عامل مهمی در برهم

زدن معادلات جهانی آمریکا در برابر رقبا و قدرت‌های تجدید نظر طلب شد تا با وجود انتخابات ۲۰۲۴، دست بایدن و تیمش بیش از پیش، بسته بماند.

منابع

- (1) Suzanne Maloney (2023), The End of America's Exit Strategy in the Middle East, Foreign Affairs, <https://www.foreignaffairs.com/middle-east/israel-hamas-end-americas-exit-strategy-suzanne-maloney>
- (2) Kevin D. Roberts (2023), The U.S. Military Went Woke. Time To Make Some Changes at the Top, heritage foundation, <https://www.heritage.org/defense/commentary/the-us-military-went-woke-time-make-some-changes-the-top>
- (3) Zhu Zhiqun (2023), Gaza, Ukraine crises have implications for Taiwan, Think China, <https://www.thinkchina.sg/gaza-ukraine-crises-have-implications-taiwan>
- (4) Nikita Smagin (2023), The Gaza War Has Convinced Russia It Was Right All Along, Carnegie Endowment for International Peace, <https://carnegieendowment.org/politika/91189>
- (5) The Economist Newspaper (2023), America's political paralysis is complicating its support for Ukraine, <https://www.economist.com/graphic-detail/2023/12/02/americas-political-paralysis-is-complicating-its-support-for-ukraine>
- (6) The Economist Newspaper (2023), From Gaza to Ukraine, wars and crises are piling up, <https://www.economist.com/international/2023/11/13/from-gaza-to-ukraine-wars-and-crises-are-piling-up>
- (7) Jeremy Shapiro (2023), America's trade-off: Israel, Ukraine, and the inescapable China question, European Council on Foreign Relations, <https://ecfr.eu/article/americas-trade-off-israel-ukraine-and-the-inescapable-china-question/>